

◀ **نیما رحبی**

گروه فرهنگ و هنر – آنچه روایت «دفتر یادداشت» را جذاب کرده، کاراکتر اصلی آن یعنی ایرج با بازی رضا عطاران است. براساس شناسنامه‌ای که در قسمت اول برای این کاراکتر ارائه شده، او سابق بر این کار آگاهی توانمند بوده و حالا در سن بالا، گرفتار نوعی آلزایمر و فراموشی شده است.

ایرج، چیزهای کوچک را خیلی زود فراموش می‌کند، اما همچنان ذهنی خلاق و فعال در زمینه حل معماهای پیچیده کار آگاهی دارد. او حالا در معرض درگذشت خوارش قرار گرفته و در پایان قسمت اول، دچار این تردید می‌شود که خواهرش به مرگ طبیعی نمرده است؛ او قصد دارد این معما را حل کند.

حمید دوست نزدیک ایرج است که حسن معجونی ایفاگر نقش آن است. او در تمام این سال‌ها در کنار ایرج بوده و تلاش دارد در مقاطع ابتدایی او به فراموشی، روابط با دیگران و ندیای اطرافش را مدیریت کند.

است. «دفتر یادداشت» در واقع یادگاری است که خواهر ایرج برایش به یادگار گذاشته و از او خواسته تا همه چیز را در آن یادداشت کند و جلوی فراموشی‌اش را بگیرد. تنها توصیه خواهرانه‌اش هم این است، «با خانم‌ها مخرمانه رفتار کن». این توصیه‌ای است که در همان قسمت ابتدایی می‌توان حدس‌هایی درباره دلپش زد. ایرج واقعا در ارتباط با زنان اطرافش چالش‌های جدی دارد!

دفتر یادداشت سریالی است که اولین حضور رضا عطاران در یکی از محصولات شبک‌ی نمایش خانگی نیز هست. همانطور که اشاره شد رضا عطاران نقش ایرج را در این سریال بازی می‌کند. پلیس کارکشته‌ای که البته حالا چند وقتی است دچار مشکلی

مغزی شده و در یک آسایشگاه ساکن است؛ اما به واسطه‌ی مرگ خواهرش (آزی‌سا حاجیان) و به‌کمکِ یکی از دوستانش، حمید (حسن معجونی)، از آسایشگاه بیرون می‌آید. کاظم سیاسی، مینا ساداتی، داریوش کاردان، بیژن بنفشه‌خواه و الهام پایه‌نژاد از دیگر بازیگران سرشناسی‌اند که در این سریال به ایفای نقش پرداخته‌اند. برای بررسی قسمت‌های منتشرشده از این سریال، لاجرم به برخی جزئیات داستانی اشاره خواهد شد. بنابراین اگر تا کنون سریال را ندیده‌اید، ادامه‌ی متن ممکن است فقط داستان را برای تان روشن کند. فقط بدانید که با سریالِ قابلِ قبولی طرف هستیم!

باید گفت که خاکباز، نویسنده‌ی سریال، در خلقِ اتمسفری متناسب با فضای داستان و ایده‌های کمیک آن تا اندازه‌ی قابلِ قبولی موفق بوده است بیرون‌آمدن ایرج از آسایشگاه و رفتن‌ش به خانه‌ی خواهر مرحوم‌ش (سیمین یا اکرم) آغازی است بر سرنخ‌های کوچکی که او رفته‌رفته پیدا می‌کند تا نسبت به مرگ خواهر و بدتر نسبت به اتفاقاتی در ساختمان مشکوک شود. اتفاقاتی که پای پرونده‌ی یک قاتل سریالی قدیمی را دوباره در زندگی ایرج باز می‌کند. قاتلی که به‌احتمال زیاد، قاتل سیمین نیز هست. در راستای جست‌وجوی این سرنخ‌ها و روشن‌تر شدن بیش‌تر اوضاع، حمید نیز همراه همیشگی ایرج است و رفته‌رفته نازنین (سولگ خلیق)، یکی از همسایگان، نیز به تیم آن‌ها اضافه شده و این سه نفر بیش‌تر تحقیقات را با کمک یکدیگر پیش می‌برند. این سریال جزو اولین تجربه‌های مسعود خاکباز در مقام نویسنده است و با توجه به هفت قسمتی که تا به این‌جا از دفتر یادداشت منتشر شده است باید گفت که خاکباز در خلق اتمسفری متناسب با فضای داستان و ایده‌های کمیک آن تا اندازه‌ی قابلِ قبولی موفق

سریال زد در شبکه‌ی نمایش خانگی (هفت) جلو رفته است و با مقایسه‌ی ساده، می‌توان اهمیت نویسنده را در این ماجرا متوجه شد. ایده‌های جالب و جذابی در سریال استفاده شده‌اند و البته مسائلی در داستان نیز وجود دارند



بوده است. هر چند که لحظات اضاف‌ه یا تلف‌شده‌ی زیادی را نیز می‌توان شناسایی کرد. اما باید گفت این سریال تا این‌جا بسیار موفق‌تر از سریال دیگر میزانی از کمیک‌بودن را داراست. یادداشت‌برداری او از وقایع و اطلاعات و هم‌چنین عکس‌برداری‌اش از آدم‌هایی که می‌بیند نیز چیزی است که مستقیم‌ان از ممتو (کریستوفر نولان،

که هم‌چنان محلّ ابهام‌اند و باید دید سریال در ادامه پاسخی به آن‌ها خواهد داد یا خیر. از نکات جذاب شروع کنیم: ایده‌ی استفاده از کار آگاهی که فراموشی گرفته است به‌خودی‌خود میزانی از کمیک‌بودن را داراست. یادداشت‌برداری او از وقایع و اطلاعات و هم‌چنین عکس‌برداری‌اش از آدم‌هایی که می‌بیند نیز چیزی است که مستقیم‌ان از ممتو (کریستوفر نولان،

طراحی صحنه، این دو محیط شباهت‌های بسیار زیادی با یکدیگر دارند. تأکیدهای میزانشنیک بر راه‌روها و اتاق‌ها، هم در محیط آسایشگاه و هم در محیط مسکونی، از همین قضیه ناشی می‌شود.

استفاده از منیر (مینا ساداتی) هم به‌عنوان مدیر آسایشگاه و هم به‌عنوان نقش‌لایه‌ی من حضورهای می‌مورد و پی‌درپی‌ش در فضای روایی داخل مجتمع مسکونی، فضا را باوره‌تر و بار دیگر بر شبیه‌بودن مجتمع مسکونی و آسایشگاه تأکید می‌کند. ضمن این‌که سریال سعی می‌کند تا هم از ایده‌های میزانشنیک در راستای فضای کم‌دی بهره بگیرد و هم از بازگسی در دیالوگ‌ها غافل نشود؛ هر چند که سهم دومی بیش‌تر است. اما از نمونه‌های جالب‌توجه اولی می‌توان به کاراکترهای پر مسئله‌ی کندی حرکات او اشاره کرد. بی‌انصافی است که از شوخی و لحظات کمیک آمدن پلیس به مجتمع برای پیدا کردن لایه‌ی من نیز بگذریم. شوخی‌هایی که در اجرا بسیار درخشان از کار درآمده‌اند.

روند روایی سریال تا اندازه‌ای بر پایه‌ی کلیشه‌های سریال‌های ایرانی این سال‌ها و تا اندازه‌ای بر پایه‌ی الگوهای ژانری پیش می‌روند. در آغاز هر قسمت، ما شاهد فلش‌بکی هستیم که هم توضیح‌دهنده‌ی گذشته‌ی یکی از کاراکترهاست و هم نشان‌دهنده‌ی ارتباطی که بین کاراکترها برقرار است. ساختاری که مشابه‌های فراوانی در سریال‌های سال‌های اخیر نمایش خانگی دارد. روند فاش شدن ذره‌ذره‌ی اطلاعات نیز چیزی است که از الگوهای ژانر جنایی و طبیعتِ آن حاصل می‌شود.

در این میان اما هنوز مشخص نیست که نقش غراب (سیاحی)، افسر آگاهی، در پیشبرد داستان چیست و

«دفتر یادداشت»؛ واقعا من کار آگاه بودم!؟

■ **سریال دفتر یادداشت یک کم‌دی است که با دست‌ما‌په قراردادن یک اتفاق جنایی، سعی در خلق اتمسفر و فضایی کمیک دارد. تلاشی که موفق نیز هست.**

با وجود همه‌ی این حرف‌ها اما باید گفت که دفتر یادداشت تا به این‌جای کار نمره‌ی قبولی را دریافت می‌کند. داستان جذاب است و شوخی‌ها در هر قسمت متنوع‌اند و بازی‌ها نیز همگی روان و خوب اجرا شده‌اند.

به‌عنوان مدیر ساختمان – هر دو به‌واسطه‌ی روحیه‌ی دستوردهنده‌ی او و ازدواج‌ش با بیژن (کاردان) – نیز شباهه جالبی را بین این دو فضا برقرار می‌کند. که بر میزان مایلیخولیایی بودن و مشتگی فضا و داستان می‌افزاید.

۲۰۰۰) برداشته شده است. آن‌جا نیز فردی که فراموشی گرفته بود به‌دنبال قاتل همسرش بود و این‌جا نیز ایرج به‌دنبال قاتلِ [البته احتمالی] خواهرش می‌گردد.

باید توجه داشت که از نظر کمپانی نخستین تیزر از سریال محبوب کرده‌ای «بازی مرکب» را منتشر و اعلام کرد این سریال در سال جاری میلادی عرضه می‌شود. کمپانی نتفلیکس سرانجام با انتشار نخستین تیزر از فصل دوم سریال «بازی مرکب» اعلام کرد این

گروه فرهنگ و هنر – کمپانی

نتفلیکس نخستین تیزر از سریال محبوب کرده‌ای «بازی مرکب» را منتشر و اعلام کرد این سریال در سال جاری میلادی عرضه می‌شود. کمپانی نتفلیکس سرانجام با انتشار نخستین تیزر از فصل دوم سریال «بازی مرکب» اعلام کرد این



گروه هتل های تاپ تورز




021-8586
www.ttgroup.ir
@Toptours_Group
ttgroup.ir

فرهنگ و هنر

فلش‌بک درخواست از دواج او از بیژن یکی از صحنه‌های خوب نوشته‌شده در سریال بود. ضمن این‌که باید توجه داشت که از نظر طراحی صحنه نیز، این دو محیط شباهت‌های بسیار زیادی با یکدیگر دارند. تأکیدهای میزانشنیک بر راه‌روها و اتاق‌ها، هم در محیط آسایشگاه و هم در محیط مجتمع مسکونی، از همین قضیه ناشی می‌شود.

بنفشه‌خواه نیز در نقش لایه‌ی من کاراکتر جالبی است که با اطلاعات‌ها و حضورهای می‌مورد و پی‌درپی‌ش در جهت نقش این فرضیه است. بنابراین باید گفت که این ارتباط مخدوش یکی از مهم‌ترین مسائلی است که به فهم مخاطب از داستان آسیب می‌زند. معلوم نیست پلیس در این ماجراها چه‌کاره است و نوع نمایش آن‌ها برای چه به این صورت طراحی شده است؟ ابهامات موجود در داستان سریال اگر رفته‌رفته رفع و رجوع شوند، توضیح درست و دقیقی از آن‌ها به مخاطب داده شود، دفتر یادداشت می‌تواند بهتر و جذاب‌تر نیز بشود

ضمن این‌که سریال در معرفی کامل و دقیق مشکل ایرج نیز چندان خوب و درست عمل نکرده است. ما فقط می‌دانیم که او برای لحظاتی همه‌چیز را فراموش می‌کند و یادش نمی‌آید کجاست یا کی است. لحظاتی که یک کم‌دی که او نزدیک می‌شود و او ناگهان به یک کم‌ای حافظه‌ی فرومی‌رود. در تیزرهای پایانی نیز این کم‌دا دیده‌ایم که محتوی یک مغز است. مغزی که انگار متعلق به ایرج است. گویا آن کم‌د نشانه‌ای از به‌مقاوت رفتن مغز و حافظه‌ی اوست. اما کاملن مشخص نیست ابعاد ایسن بیماری چی است و بدتر از آن ابهامات موجود در داستان سریال، بر داستان دارد؟ تا به این لحظه، این لحظات فراموشی گذرا در روند داستان با تحقیقات هیچ گونه خلل قابل‌ملاحظه‌ای ایجاد نکرده است و عملن بسود و نبود این بیماری چندان

چه‌گونه خواهد بود؟ آیا او هم‌زمان نظاره‌گر و هدایت‌کننده‌ی ایرج نیز هست و پس از شکست خودش در جریان پی‌گیری پرونده‌ی قتل پدرش برای پیدا کردن قاتل سریالی، دست‌به‌امان ایرج شده و از حمید خواسته است تا او را بیرون بیاورد؟ این یکی از فرضیه‌های محتمل است که می‌تواند صحت داشته باشد؛ هر چند که سریال تا به این لحظه پاسخ دقیقی به آن نداده است و نیز اتفاقات ریز و درشتی در این میان می‌افتد که حتی در جهت نقش این فرضیه است. بنابراین باید گفت که ایسن ارتباط مخدوش یکی از مهم‌ترین مسائلی است که به فهم مخاطب از داستان آسیب می‌زند. معلوم نیست پلیس در این ماجراها چه‌کاره است و نوع نمایش آن‌ها برای چه به این صورت طراحی شده است؟ ابهامات موجود در داستان سریال اگر رفته‌رفته رفع و رجوع شوند، توضیح درست و دقیقی از آن‌ها به مخاطب داده شود، دفتر یادداشت می‌تواند بهتر و جذاب‌تر نیز بشود

ضمن این‌که سریال در معرفی کامل و دقیق مشکل ایرج نیز چندان خوب و درست عمل نکرده است. ما فقط می‌دانیم که او برای لحظاتی همه‌چیز را فراموش می‌کند و یادش نمی‌آید کجاست یا کی است. لحظاتی که یک کم‌دی که او نزدیک می‌شود و او ناگهان به یک کم‌ای حافظه‌ی فرومی‌رود. در تیزرهای پایانی نیز این کم‌دا دیده‌ایم که محتوی یک مغز است. مغزی که انگار متعلق به ایرج است. گویا آن کم‌د نشانه‌ای از به‌مقاوت رفتن مغز و حافظه‌ی اوست. اما کاملن مشخص نیست ابعاد ایسن بیماری چی است و بدتر از آن ابهامات موجود در داستان سریال، بر داستان دارد؟ تا به این لحظه، این لحظات فراموشی گذرا در روند داستان با تحقیقات هیچ گونه خلل قابل‌ملاحظه‌ای ایجاد نکرده است و عملن بسود و نبود این بیماری چندان

باز گشت نقش اصلی «بازی مرکب» برای انتقام

سریال غیرانگلیسی زبان و اولین سریال کر‌ای تبدیل شد که نامزد بهترین تیم بازیگری در یک سریال درام، در جوایز انجمن بازیگران آمریکا در ۲۰۲۲ شد.

فصل اول «بازی مرکب» همچنین بزنده سه جایزه گلدن گلوب از جمله بهترین سریال

و تجربیات متفاوت از زندگی را روایت می‌کند که در مجموعه‌ای از بازی‌های کودکانه مرگبار برای یک جایزه نزدیک به ۴۰ میلیون دلاری رقابت می‌کنند و این جایزه تنها یک برنده خواهد داشت و بازندگان کشته می‌شوند.

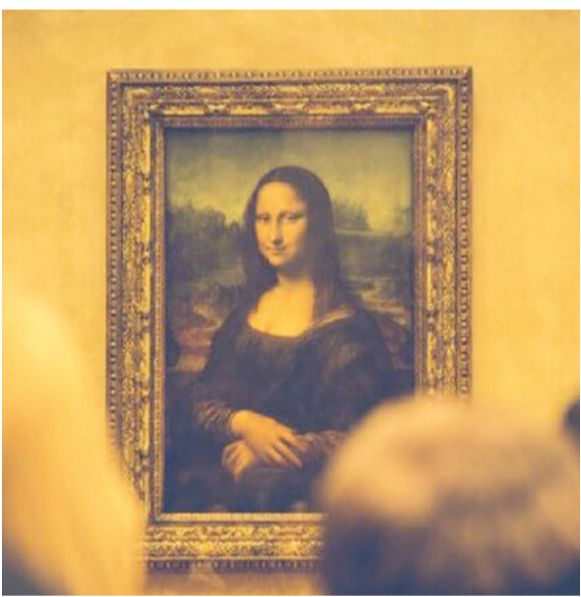
«بازی مرکب» همچنین به اولین

انتقام‌جویانه به تعقیب و گریز می‌پردازد.

مجموعه «بازی مرکب» زمانی که در سپتامبر سال ۲۰۲۱ پخش شد، رکورد پر بیننده‌ترین سریال «نتفلیکس» را شکست.

این سریال داستان گروهی از افسراد بدهکار و با مشکلات مالی

تاریخچه پر هرج و مرج شاهکاری به نام «مونالیزا»



کرده به این نقاشی آسیب برساند که البته نتیجه‌ای نداشت. سپس یک مرد بولیویایی یک تکه سنگ را به سمت این نقاشی پرتاب کرد. آن مرد در آن زمان گفته بود: «یک تکه سنگ در جیبم داشتم و ناگهان به ذهنم رسید که آن را پرتاب کنم». خوشبختانه نقاشی در آن زمان پشت شیشه محافظ قرار داشت. البته این سنگ باعث شد در نقطه‌ای از نقاشی رنگ جدا شود. کارشناسان در آن زمان موفق شدند این نقاشی را مرمت کنند و آن را پس از چند روز به محل نمایش بازگردانند.

۱۹۷۴: سالی که شاهکار «لئوناردو» در توکیو هدف حمله قرار گرفت

«مونالیزا» به ندرت از لوور خارج شده است و به همین دلیل است که ۱.۱۵ میلیون نفر از این نقاشی در موزه ملی توکیو بازدید کردند. یکی از این افراد زن ۲۵ ساله ژاپنی بود که از ویلچر استفاده می‌کرد و سعی کرد در نخستین روز نمایش این نقاشی، در اعتراض به فراهم نبودن شرایط مناسب در موزه برای شهروندان معلول، روی آن و از اسپری قرمز رنگ بپاشد. در نهایت این نقاشی سالم باقی ماند و شیشه محافظ جلوی این کار را گرفت.

اقتربش

توفیری نداشت‌ه است. مضاف بر این‌ها، اصلن مگر قرار نبود ایرج فقط بیست و چهار ساعت از آسایشگاه خارج شود؟ یا اصلن با چه حسابی او افتاده است دنبال قاتلی که پایش بی‌خیالش شده یا اعلام می‌کند که مرده است؟

در کارگردانی و تدوین نیز اسدی‌زاده از بعضی تکنیک‌هایی که پیش‌تر در هفت نیز دیده بودیم بهره برده است. مثل آن‌جا، این‌جا نیز چندان خبری از میزانشن‌ها یا دکوپاژهای فکر شده نیست و کارگردانی بر اساس روایت درست داستان شکل گرفته است. هر چند برای بعضی از پلان‌ها هم چنان نمی‌توان توجیهی عقلانی یا منطقی متصور شد. صحنه‌ای که در آن حمید و نازنین دارند نرنیال ایرج می‌گردند و پایکی از پلیس هادر این بین صحبت می‌کنند چرا و به چه دلیل باید با حرکات دورانی دوربین فیلم‌برداری شود؟ صحنه‌ای که از اساس و در جریان آن نیز جای‌جایی‌ای در موقعیت داستانی کاراکترها رخ نمی‌دهد. جاهایی نیز می‌توان به شکسته‌شدن‌های بی‌دلیل خط فرضی برخورد. اتفاقی که باز هم اگر بی‌دلیل در فیلمی رخ دهد، از منظر تدوین تداومی و کارکردانی کلاسیک، غلط محسوب می‌شود. با وجود همه‌ی این حرف‌ها اما باید گفت که دفتر یاداشت تا به این‌جای کار نمره‌ی قبولی را دریافت می‌کند. داستان جذاب است و شوخی‌ها در هر قسمت متنوع‌اند و بازی‌ها نیز همگی روان و خوب اجرا شده‌اند. علی‌الخصوص داریوش کاردان در نقش کوتاه خود جذاب ظاهر شده است و آن را بر جسته‌تر کرده است. ابهامات موجود در داستان سریال، بر داستان دارد؟ تا به این لحظه، این لحظات فراموشی گذرا در روند داستان با تحقیقات هیچ گونه خلل قابل‌ملاحظه‌ای ایجاد نکرده است و می‌تواند بهتر و جذاب‌تر نیز بشود.

درام شد.

کمپانی نتفلیکس سال گذشته مسابقه‌ای را با الهام از سریال «بازی مرکب» ساخت که در آن ۴۵۶ شرکت‌کننده بر سر ۴.۵۶ میلیون دلار جایزه نقدی که می‌تواند زندگی‌شان را متحول کند، رقابت می‌کنند.

کیشوندان عزیز – می توانند هر گونه مشاهده عرضه مواد غذایی فاسد یا تاریخ مصرف گذشته

در فروشگاهها و مراکز عرضه مواد غذایی را به این شماره ها اعلام دارند ۱۹۰ – ۱۲۴ – ۴۴۴۲۳۳۱۱ – ۰۹۳۴۷۶۹۰

روابط عمومی مرکز بهداشت کیش

